

جمهوری آذربایجان برای ابراز وجود به مفاخر ایران تمسک حسته است

این مساله یکی از نکات مهمی است که ما باید در رسانه‌ها و در افکار عمومی توجه خاصی به آن داشته باشیم و واکنش‌های خردمندان‌های را نسبت به این موضوع نشان دهیم.

سرویس ترکیه/خبرگزاری آران/سرویس جمهوری آذربایجان:مدیر گروه تاریخ شبکه دو سیما، مصادره فرهنگی دولت شیعه و ایرانی صفویه از سوی کشور جمهوری آذربایجان را بیش از هر چیز نمایانگر هویت جویی ن‌ها دانست. به گزارش خبرگزاری آران، «جلیل عرفان منش» در گفت و گو با خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا، در واکنش به ساخت فیلم و مستندی در تلویزیون کشور جمهوری آذربایجان که سلسله صفویه ایران را به عنوان «دولت آذربایجان» معرفی می کند، افزود: چنین به نظر می رسد که ن‌ها برای ابراز وجود، به مفاخری چون دولت صفویه تمسک حسته اند.

وی خاطر نشان کرد: این مساله یکی از نکات مهمی است که ما باید در رسانه‌ها و در افکار عمومی توجه خاصی به ن داشته باشیم و واکنش‌های خردمندان‌های را نسبت به این موضوع نشان دهیم. وی از تشکیل دولت صفویه که در سال 907 هجری قمری آغاز شد و پیش از دو سده ادامه یافت به عنوان یکی از مقاطع درخشان تاریخ ما ایرانیان یاد کرد و گفت: می دانیم تا قبل از صفویه، ایران دارای حکومت مرکزی و ملی نبود و حکومت‌های محلی بر اجزای ایران حکومت می کردند. ظهور سلسله صفوی به معنای احیای مجدد هویت ایرانی پس از فروپاشی دولت ساسانیان به حساب می آید. این محقق تاریخ ایران، حکومت صفویان را دارای چند مولفه بسیار مهم دانست و گفت: این حکومت نام ایران را به عنوان یک کشور یک پارچه زنده کرد و نام اسلام و تشیع را با به رسمیت شناختن بین شیعه در ایران احیاء کرد. صفویه در کنار امپراطوری‌های عصر خود، گورکانیان درهند و عثمانیان در ترکیه توانست حیات معنوی ایرانی و اسلامی را تداوم بخشد. وی احیاء و رواج زبان فارسی را مولفه مهم دیگر صفویه دانست که از میراث ارزنده این حکومت در ایران به شمار می رود و افزود: کلیه مکاتبات دیوانی میان امپراطور عثمانی و گورکانیان به زبان فارسی بود و شما می توانید امروزه آثار آن را در کتیبه‌های به جای مانده و مراسلات و نامه‌های مکتوب در استانبول و هندوستان مشاهده کنید.

عرفان منش در ادامه خاطر نشان کرد: وقتی شما از موزه‌های ترکیه دیدن می کنید احساس می کنید که در ایران هستید. زیرا در آن جا تمام کتیبه‌ها و نوشته‌ها به زبان فارسی است. این فیلمنامه نویس و پژوهشگر تاریخ در پاسخ به پرسش ایسنا درباره پدیده «اسناد به خود» که این روزها بسیار شاهد ن هستیم، خاطر نشان کرد: پدیده اسناد به خود و خودی کردن شخصیت‌های تاریخی و حتی افسانه‌ای، موضوعی است که در بیشتر مناطق جهان مشاهده می شود؛ این پدیده موضوع جدیدی نیست و از زمان‌های دور تا روزگار امروز ادامه دارد؛ به عنوان مثال اعراب در گذشته فریدون پادشاه افسانه‌ای و پیشدادی ایران را از نژاد عرب می دانستند؛ زیرا او قاتل ضحاک ستم گر بود و اعراب به اقتدار او مباحثات می کردند.

عرفان منش با اشاره به نمونه‌هایی مشابه در تاریخ یادورشد: هم چنین اعراب برای عربی کردن ذوالقرنین که کوروش کبیر است تلاش کردند به او شخصیت یمنی و عربی بدهند؛ ن چنان که مقریزی (در گذشته به سال 845 هجری) در کتاب «المواعظ و الاعتبار به ذکر الخطط و الآثار» ذوالقرنین را از ملوک یمن می داند و یا برخی به اشتباه وی را اسکندر مقدونی نام نهاده اند؛ درحالی که ذوالقرنین بودن کوروش امری مستند است و بسیاری از مفسرین قرن از جمله مرحوم علامه طباطبایی و یت الله ناصر مکارم شیرازی بر این نکته تأکید کرده اند و ن را قریب و یقین دانسته اند.

مدیرگروه تاریخ شبکه دو سیما هم چنین یادآور شد: ابوعلی سینا شخصیت دیگری است که هم اعراب، هم ترک‌ها و هم روس‌ها تمایل دارند آن را به خود منسوب کنند؛ هم چنین مردم ترکیه همواره اصرار دارند که مولانا جلال الدین بلخی (مولوی) را از آن خود اعلام کنند، درحالی که تولد و زیست گاه مولوی در بلخ و رشد و بالندگی او در حوزه فرهنگی ایران کامل و مشهود است. هم چنین آشکار است که وی حتی یک بیت هم به زبان ترکی نگفته است.

عرفان منش با یادآوری این که اخیراً مردم افغانستان هم مدعی هستند که مولانا افغانی است، تصریح کرد: این درست است که بلخ امروز در سرزمین افغانستان واقع شده است؛ اما بلخ قدیم یا باکتريا از زمان‌های بسیار دور جزئی از ایران بوده است و در زمان حیات مولانا بلخ و دیگر بخش‌های سرزمین افغانستان نیز جزئی از قلمرو فرهنگی ایران به حساب می آمده است.

وی ادامه داد: جالب است بدانید که رسانه‌های ترکمنستان از ابوسعید ابوالخیر عارف نامی ایرانی را که زادگاه او در روستای «میهنه» از توابع خراسان رضوی است، به عنوان عارف نامی و ترکمن یاد می کنند و اخیراً نیز رسانه‌های امارات متحده عربی و برخی کشورهای عربی، ابوعلی سینا و زکریای رازی را دانشمند عرب معرفی کرده اند؛ درحالی که رازی به معنی کسی است که در شهر ری زندگی می کند همچون «مروزی» که در مرو می زید. هم چنان که برخی گفته اند: «الرازی ولد فی ری و هو عالم و العربی» و دلیل عربی بودن رازی را تألیفات وی به زبان عربی دانسته اند؛ حال آن که زبان عربی، زبان علمی جهان اسلام به شمار می رفته است.

به گفته وی نسبت دادن مشاهیر تاریخی ایران به کشورهای دیگر درست مثل ن است که بگوییم اقبال لاهوری اندیشمند نامی پاکستان چون به زبان فارسی شعر سروده بنابراین ایرانی است و یا چون سعدی شیرازی اشعاری به زبان عربی دارد پس عرب است.

این پژوهشگر در ادامه تاکید کرد: نسبت به اقدام جمهوری تازه استقلال یافته جمهوری آذربایجان که به دلیل ترك بودن موسس و بنیان گذار سلسله صفویه این دولت ایرانی را به خود نسبت داده اند باید گفت که خوشبختانه تمام اقوام ایرانی اعم از كرد، ترك، بلوچ و تركمن و عرب زبانان همه خود را ایرانی می دانسته و می دانند؛ هم چون سایر سلسله هایی که پس از صفویه از اقوام مختلف ایرانی شکل گرفت و نشان و دلیل آن این است که سلسله صفویه زبان فارسی را هم در ایران و هم در امپراطوری عثمانی و گورکانیان هند رواج دارد.

جلیل عرفان منش در پایان در پاسخ به این پرسش ایسنا که یا شبکه های تلویزیونی ایران برای شناسایی فرهنگ و تمدن ایرانی چه اقداماتی می توانند انجام دهند؟ گفت: خوشبختانه در گروه تاریخ شبکه دو سیما و در برخی از برنامه های شبکه های مختلف سیما، اقدامات ارزنده ای در این خصوص انجام شده است؛ در سال جاری برنامه ی «زیر سمان ایران» با حضور قای دکتر علی اکبر ولایتی به موضوع هویت تاریخی ایرانیان و هم چنین برخوردهایی از این دست پاسخ داده است؛ با این وجود هم چنان ضرورت دارد تا علاوه بر صداوسیما سایر رسانه های مکتوب شنیداری و دیداری نسبت به هویت جویی ایرانیان اهتمام ورزند.
پایان پیام.